

بررسی تطبیقی نقش مایه فرشته در سنگ قبور آرامگاه آرامنه و تخت فولاد اصفهان

علی خدادادی^۱، نینا صفی خانی^۲، سید ابوتراب احمدپناه^۳

^۱ پژوهشگر دکترای فلسفه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

^۲ کارشناسی ارشد گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۳ استادیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۰/۲۳)

چکیده

تأثیر متقابل هنر مسیحیت و هنر دوران اسلامی در ایران، با گسیل آرامنه جلفای قدیم به جلفای نو در اصفهان در دوران صفویه رنگ و بویی تازه به خود گرفت و یکی از نمودها و تجلی این اثرگذاری‌های متقابل، حجاری بر روی سنگ قبور می‌باشد. از جمله تصاویر مشترک منقوش در دو قبرستان تخت فولاد و آرامنه اصفهان، نقش مایه فرشته است. در این پژوهش سعی شده تا علاوه بر برداشت اسنادی، با تصویربرداری میدانی تقریباً ۵۰ سنگ قبردارای نقش فرشته، به روش توصیفی-تحلیلی، شناخت و معناشناسی این نقش مایه، امکان‌پذیر و وجوه تشابه و تفارق آن در دو گورستان بررسی گردد. نقش مایه فرشته در تخت فولاد (علاوه بر تأثیرپذیری از هنر ایران باستان و دوران اسلامی)، بیشتر متأثر از دوران رنسانس بوده ولی تصاویر فرشته در قبرستان آرامنه، بیشتر متأثر از هنر بیژانس بوده است. علی‌رغم مشترکاتی همچون جنسیت، تعداد بال‌ها و... در به تصویرکشیدن نقش مایه فرشته در دو قبرستان، نمودی واضح مبنی بر تأثیر آرامنه بر هنرمندان حجار تخت فولاد مشاهده نگردید. ولی نقوش اسلیمی و ختایی در هم‌نشینی با نقش مایه فرشته را می‌توان از نمودهای تأثیر متقابل فرهنگ ایرانی-اسلامی و آرامنه-مسیحی در نظر گرفت.

واژه‌های کلیدی

اصفهان، قبرستان تخت فولاد، قبرستان آرامنه، سنگ قبر، نقش مایه فرشته.

مقدمه

کتابخانه‌ای، برای دستیابی به تصاویر، علاوه بر برداشت اسنادی، با تصویربرداری میدانی، به تقریباً ۵۰ سنگ قبردارای نقش مایه فرشته دسترسی پیدا نموده و این تصاویر را با نرم افزار CoreIDRAW بصورت خطی تجزیه نمودند و به بررسی آنها پرداختند. با تحلیل تصاویر مذکور، به روش توصیفی - تحلیلی تلاش شد تا علاوه بر شناخت و معناشناسی این نقش مایه، وجوه تشابه و تفارق آن در دو گورستان مورد بررسی قرار گیرد.

در این مقاله، ابتدا شرحی از مهاجرت ارامنه به ایران از جلفای قدیم ذکر شده و با ریشه‌یابی کلمه "فرشته"، این نقش مایه در متون دینی و روایات بررسی گردیده و در ادامه علاوه بر بازگویی نقوش سنگ قبور دو قبرستان، به مشخصات ظاهری نقش مایه فرشته به تفکیک در سنگ قبور دو آرامگاه پرداخته شده است و در انتها این نقش مایه در دو گورستان از نظر ویژگی ظاهری، تنوع تعداد، ایستایی، کنش، جنسیت، بال، پوشش، نقوش هم‌نشین با هم مقایسه گردیده است.

باید توجه نمود که بسیاری از سنگ قبور با توجه به کم توجهی مسئولین و فرسایش اقلیمی در اثر گذشت زمان از بین رفته و بدون شک ثبت و یادآوری لزوم حفاظت از این بن مایه هنری، پژوهش‌هایی تکمیلی را طلب می‌نماید.

آشنایی ایرانیان با آیین مسیحیت، سابقه‌ای بسیار دیرینه دارد و نقش ایرانیان در استقبال از این دین و هنر مرتبط با آن را نمی‌توان نادیده گرفت. به گونه‌ای که می‌توان این گونه تصور نمود که مسیحیت از آغاز در ایران بوده است. اشتراکات فراوانی که در مبانی و ریشه‌های دو تفکر اسلام و مسیحیت وجود دارد، بدون شک بستری بسیار هموار برای ارتباط و تاثیرات متقابل مردمان و هنرمندان متأثر از این دو تفکر را در طول تاریخ فراهم نموده است. مهاجرت اقوام مسیحی به ایران و ارتباطات آنها با دولت‌ها و مواجه شدن با تنوع فرهنگ مردمان ایران زمین، همواره در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های گوناگونی همراه بوده است. تاثیر هنر مسیحیت و هنر دوران اسلامی بر یکدیگر، با گسیل ارامنه جلفای قدیم به جلفای نو در اصفهان در دوران صفویه، رنگ و بویی تازه به خود گرفت و یکی از نمودهای تجلی این اثرگذاری‌ها را در هنر حجاری بر روی سنگ قبور در دو قبرستان تخت فولاد و ارامنه اصفهان می‌توان مشاهده نمود. از جمله نقوشی که در هر دو گورستان دیده می‌شود، نقش مایه فرشته است که ریشه این اشتراک را می‌توان در متون مقدس و روایات دینی این دو تفکر و کارکرد این موجود در این دنیا و دنیای پس از مرگ یافت. محققان در این پژوهش با توجه به کمبود منابع و اسناد

ایرانیان، مسیحیت و ارامنه

تمدن یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند، «از جمله اشتراکات فرهنگی و مذهبی می‌توان به جشن‌هایی مانند "واردآورد"، "ناواسارد" و "درندز" اشاره نمود» (شاهمندی، ۱۳۹۲، ۳۶).

حضور ارامنه و به ویژه ارامنه جلفا نو اصفهان در ایران، ارزش‌های فرهنگی مختلفی را باعث شدند، فرهنگی که همراه با آداب و رسوم خود از ارمنستان به ایران آورده و در این دیار به حفظ و رشد آن همت گماشتند. «هنرمندان و بزرگان ارامنه ایران، آنچه را با فرهنگ و مذهب و سلیقه هنری و روحیات آنان قرابت داشت، از ایرانیان گرفته و به هنر و تمدن خود شکوهی تازه بخشیدند. در قرون هفدهم و هجدهم میلادی، جلفای اصفهان کانون دانش و هنر ارامنه ایران بود، تولید نسخه‌های خطی و چاپ سنگی، مینیاتور، زرگری، قالی بافی [دوخت، تزیین پارچه‌های زینتی و حجاری]، از جمله فعالیت‌های هنری ارامنه در آن دوره بود» (قوکاسیان، ۱۳۵۲، ۳۴۸-۳۵۱). نمونه‌هایی از آنها، هم اینک در موزه کلیسای وانک در اصفهان، از بزرگ‌ترین موزه‌های ارمنیان در جهان، نگهداری می‌شود.

ارمنیان جلفای قدیم با مهاجرت به اصفهان، هنر و سنت حجاری خود را نیز به جلفای نو منتقل نمودند، «چنانچه هنر

آشنایی ایرانیان با آیین مسیحیت، سابقه‌ای بسیار دیرینه دارد و نقش ایرانیان در استقبال از این دین را نمی‌توان نادیده گرفت تا جایی که بنا بر قدیمی‌ترین شرح موجود از انجیل در قرن چهارم میلادی و با توجه به انجیل متی، باب دوم، مجوسان مشرقی که بر عیسی، هنگام تولد وارد شده بودند را، به ایرانیان نسبت می‌دهند. «به گونه‌ای [می‌توان این گونه تصور نمود که] مسیحیت از آغاز در ایران بوده است» (میردامادی، ۱۳۷۸، ۲۴۸). وجود مسیحیان و مهاجرت اقوام مسیحی به ایران و ارتباطات آنها با دولت‌ها، همواره در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های گوناگونی همراه بوده است و در این گذر تاریخی، عصر صفویه را با توجه به روابط صمیمانه با دولت‌های مسیحی، می‌توان دوران تجدید حیات مسیحیت در ایران دانست «بطوری که موجی از جمعیت‌های مسیحی در قالب هیأت میسیونری و تبشیری، از کلیساهای مختلف جهان به ایران سرازیر شده و از طرفی شاه عباس صفوی (قرن هفدهم میلادی)، جمعی از گرجیان و ارامنه را به ایران گسیل داشت. ارامنه بدون شک تحت تأثیر شرایط محلی و در مقطعی نیز تحت تأثیر امپراتوری بیزانس و روسیه بوده‌اند. ایرانیان و ارامنه، هر دو از نژاد هندواروپایی محسوب شده و از چندین هزار سال پیش در کنار هم حضور داشته و بر فرهنگ و

را می‌توان به شش گونه ۱. نقوش گیاهی، ۲. نقوش حیوانی، ۳. نقوش انسانی، ۴. نقوش ابزار و اشیا، ۵. نقوش انتزاعی و هندسی و ۶. نقوش ترکیبی، تقسیم‌بندی کرد، که فهرست‌وار به این نقش‌مایه‌ها اشاره می‌گردد.

نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد: گیاهی (سرو، گل، میوه، اسلیمی، ختاعی، گل چند پرو...)، حیوانی (شیر، ماهی، پرنده، بزکوهی، آهو، اسب، سگ شکاری در صحنه شکار، گوسفند، سگ، ماهی، طاووس، پرستو، هدهد، کبوتر، عقاب، مرغابی، کبک و...)، انسانی (انسان در حال انجام حرفه، انسان سوار بر اسب، انسان گل در دست، فرشته و...)، نقوش ابزار و اشیا (مهر، تسبیح، جانماز، گلدان، کشکول، تبرزین، قیچی، سپر، شمشیر، نیزه، تفنگ، خنجر، تبر، چاقو، شیشه، انگشتر، کالسکه، کتاب، عطر، قفل، چتر و...)، نقوش هندسی (طرح محرابی، ستاره، دایره، نیم دایره، ربع دایره، مربع، لوزی، مستطیل، متوازی‌الاضلاع، مثلث و چندضلعی‌های منتظم، نقوش هندسی غیرمنتظم و...)، نقوش نشانه شغل و حرفه همچون (حمای، آشپز، حلاف، قهوه‌چی، معمار و بنا، مقنی، نانوا، خیاط، بقال، پهلوان، میوه‌فروش، آهنگر، تراشکار، پزشک، قاضی، زغالی، نویسنده، چوپان و...)، نقوش ترکیبی انسان بالدار (فرشته) و نشانه‌های حجمی طشت آب^۸، بالین^۹ و...

نقوش سنگ قبور قبرستان ارمنه و سنگ‌های یادبود: گیاهی (سرو، گل، اسلیمی، ختاعی، گل چندپر و...)، حیوانی (آهو، گوسفند، عقاب، اژدها و...)، انسانی (انسان در حال انجام حرفه، انسان آرمیده، انسان ایستاده، انسان نشسته، انسان گل در دست، مسیح مصلوب، فرشته و...)، نقوش ابزار و اشیا (صلیب، عصا، گردن‌بند، شمعدان، شمع، شیپور، تاج، شال، گنبد، قیچی، دوک نخ ریزی، انبر، چاقو، تبر، مهر، تسبیح، جانماز، گلدان، کتاب، ظرف و...)، نقوش هندسی (طرح محرابی، قوس رومی، ستاره، قلب، بال، دایره، نیم دایره، مربع، لوزی، مستطیل، متوازی‌الاضلاع و مثلث و چندضلعی‌های منتظم، نقوش هندسی غیرمنتظم و...)، نقوش نشانه شغل و حرفه (خیاط، قالبیاف، اسقف و...)، نقوش ترکیبی انسان بال‌دار (فرشته)، صلیب بال‌دار (ترکیب صلیب و بال پرنده) و نشانه‌های حجمی طشت آب، کندر سوز^{۱۰}، ... و نقوشی خیالی و فراواقعی مانند اژدهای دوسر (ترکیب عصا و اژدها) و عقاب دوسر و نقوش اسلیمی دهان اژدهایی نیز دیده می‌شود.

علاوه بر تفاوت‌هایی که در نقوش کار شده در سنگ قبور این دو قبرستان از نظر نوع، تناسبات، ترکیب‌بندی‌ها، فراوانی و... مشاهده می‌شود، اشتراکاتی نیز قابل رویت است که معناشناسی نقش‌مایه‌ها و بررسی این تفاوت‌ها و اشتراکات، با توجه به هم‌زیستی مسلمانان و ارمنه و نزدیکی این دو قبرستان از نظر مکانی و قرارگرفتن در دوره‌های مشترک تاریخی، می‌تواند علاوه بر روشن نمودن بسیاری از مفاهیم، سندی قرار گیرد تا گوشه‌ای از ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی و تاثیرات این دو نگرش بر همدیگر آشکار گردد.

از جمله نقوشی که با فراوانی تقریباً همسان در دو قبرستان مشاهده شده و ریشه آن را در باورها و اعتقادات ادیان الهی، از

حجاری بر روی کتیبه‌ها، سنگ قبور و سنگ یادبودها در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی (۱۲ و ۱۳ هجری)، استمرار سنت ساخت "خاچکارها"^{۱۱} در جلفای قدیم است (بابائیان، ۱۳۸۶، ۱۶۹-۱۷۱).

معرفی قبرستان ارمنه اصفهان

آرامگاه ارمنه اصفهان با مساحت حدود ۳۰ هکتار، در دامنه کوه صفه و در قسمت جنوبی شهر قرار دارد. تاریخ اولین سنگ در این قبرستان، سال ۱۵۵۱ میلادی را نشان می‌دهد و نویسنده کتاب "تاریخ جلفای اصفهان" در قرن ۱۹ میلادی چنین اشاره کرده که به تعداد سنگ‌های موجود، همین مقدار هم از بین رفته است. آرامگاه ارمنه اصفهان جزو قبرستان‌های مهم جهان است. این آرامگاه چهره‌هایی شاخص از روحانیون مسیحی و شخصیت‌های نامدار ایران و جهان را در خود جای داده است. جلفای اصفهان، آثار برج‌مانده از آن و تاریخ مردمش عبارت است از تلاش مستمر و بی‌وقفه مردمانی که در طول بیش از چهار قرن، نه تنها توانسته‌اند هویت خود را به منزله‌ی یک ایرانی حفظ کنند، بلکه سهمی عمده در رشد و اعتلای این هویت در فلات تمدن‌ساز مرکزی ایران داشته‌اند.

معرفی قبرستان تخت فولاد اصفهان

گورستان تخت فولاد، واقع در جنوب شهر اصفهان، از جایگاه ارزنده‌ای در میراث فرهنگی کشورمان و جهان اسلام برخوردار است. این گورستان در طول تاریخ به نام‌های، لسان‌الارض^۵، تخت فولاد و مزار بابا رکن‌الدین^۶ شهرت داشته است.

«شاردن^۷ در سفرنامه خود، به تاریخچه این زمین به قبل از دوران صفویه اشاراتی داشته است، اما در خصوص قدمت آن پیش از اسلام اطلاعاتی در دست نیست و به نظر می‌رسد که تاریخچه آن پیش از اسلام، ریشه در اساطیر و باورهای مردم منطقه داشته است» (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳، ۶۸).

در حقیقت، تدفین مشاهیر اصفهان اعم از علما، فقها، هنرمندان، عرفا و عموم مردم از عهد صفوی به بعد به خصوص در زمان شاه عباس، در این قبرستان صورت پذیرفته است و به همین جهت به نظر می‌رسد گسترش این قبرستان، از قرن یازدهم شروع شده و چند دهه بعد به عنوان بزرگ‌ترین گورستان اصفهان شهرت گرفته است. از عناصر و فضاهای کالبدی این قبرستان می‌توان به تکایا، مساجد، مصلی‌ها، خانقاه‌ها، آب‌انبارها، یخچال‌ها، سقاخانه‌ها، سنگاب‌ها، ضیافت‌خانه‌ها، کاروانسراها، غسل‌خانه‌ها، قربانگاه‌ها، ریاضت‌خانه‌ها، چله‌خانه‌ها، سنگ قبور و... اشاره نمود.

نقوش سنگ قبور در قبرستان تخت فولاد و ارمنه اصفهان

نقش‌مایه‌های سنگ قبور قبرستان تخت فولاد و ارمنه اصفهان

و تحول این نقش مایه در ایران باستان می‌توان مشاهده نمود. «در ایران باستان، روح را بوسیله بال به نمایش درمی‌آوردند و این طور تصور می‌نمودند که این اساطیر چه انسان و چه حیوان به وسیله بال، دارای حیات پس از مرگ هستند» (دادور، ۱۳۸۵، ۱۵۹-۱۴۳). «در انگره‌های مانوی نیز فرشتگان، ده آسمان را به سوی بالا نگاه می‌دارند و در جهان روشنی ساکن هستند» (کامرانی، ۱۳۸۵، ۵۸).

فرشته و مسیحیت: در آیین مسیحیت و پیرو آن در کتاب انجیل، بارها از فرشتگان سخن گفته شده است: رویارویی با ابراهیم و لوط (پیدایش ۱۸:۱۹)، کشتی گرفتن با یعقوب (پیدایش ۲۴:۲۳)، فرشته محافظ افراد و ملل مختلف (متی ۱۸:۱۰)، فرشته‌ای در مقام اعلام مقام مریم مقدس (لوقا: ۱)، فرشته اعلان‌کننده رستاخیز (متی ۲۸:۱-۷) و ...

با توجه به متون و روایات مسیحیت، فرشتگان، موجودات خوش‌نهادی هستند که کارکردها و مشخصاتی مانند، آشکارکننده حقایق الهی، کمک‌رسان و محافظ انسان، عبادت‌کننده خدا، ستایشگر و خدمت‌کننده خداوند و اراده او، محافظت از بچه‌ها، راهنمای ارواح مردگان، محافظان عرش خدا، مجرد از ماده، دارای سلسله مراتب و ... برای آنها متصور گردیده است.

در آثار هنری مسیحیت در بیشتر دوره‌ها، این موجود، مقدس‌وار، بصورت انسان و با بال به تصویر کشیده شده است، به جز موارد نادری که به نظر نگارندگان، ریشه در عقاید دوره رنسانس و پیرو آن اندیشه برخی از هنرمندان متأثر از آن دارد.

فرشته و اسلام: فرشتگان در دین اسلام دارای مرتبه‌ای بالا معرفی شده‌اند بطوری که خداوند در قرآن، پنج واقعیت (خدا، قیامت، ملائکه، کتاب و انبیا) را در کنار هم ذکر نموده است: «آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله (بقره، ۲۸۵). ولکن البر من آمن بالله و الیوم الآخر و الملائکه و الکتاب و النبیین» (بقره، ۱۷۷).

قرآن کریم و روایات این موجود را اینگونه معرفی می‌نمایند: دارای مقام، منزلت، مراتب و درجات می‌باشند، دارای ماهیت نور و متفاوت از ماهیت بشر و جن، مطیع و مجری امر الهی هستند، جنسیت (مذکر و مؤنث) و ذریه ندارند، تعدادشان بی‌نهایت است، در آسمان تردد دارند، دارای موت و حیات هستند و ...

همه مسلمانان باور دارند که «ملائکه، اجسام لطیف و نورانی هستند که دارای بال‌های دوگانه، سه‌گانه، چهارگانه و یا بیشتر هستند و می‌توانند به شکل‌ها و هیبت‌های مختلف درآیند [یا متجسم شوند] و حرکات صعودی و نزولی داشته باشند» (خرزعلی، ۱۳۸۷، ۱۵۷). شاید این عقیده و باورها را بتوان ریشه تجسم این موجود به شکل‌های مختلف و جنسیت‌های گوناگون در هنر دوران اسلامی دانست.

بسیاری از مفسران و اندیشمندان اسلامی با ماهیت و عباراتی همچون، اجسام لطیف، نور، هوا، حقیقت موجود در ستارگان، عقول مجرد از ماده، غیرمادی بودن، ذوات قائم به نفس و ... به تفسیر ماهیت و کارکرد این موجود پرداخته‌اند، ولی از مجموع این آراء بدست می‌آید «که ملائکه باید ماهیتی ملکوتی داشته باشند، [و کارکردشان

جمله مسیحیت و اسلام می‌توان یافت، نقش مایه فرشته است که در این مقاله سعی گردیده بازنمایی (تجربیدی در فرم خطی)، بررسی و معناشناسی گردد.

ریشه‌یابی واژه فرشته

فرشته (افرشته، فریشته، فرشتک، فرسته) که در زبان فارسی کهن، "سروش" گفته می‌شود، از دو کلمه تشکیل شده است. "فر" یا "پر" به معنی پیش و "شته" مخفف هشته یا گذاشته و در مجموع یعنی "جلوی پیش گذاشته" «زیرا فرشتگان از مقامی دون به مرتبه‌ای والا رسیده‌اند» (شایگان، ۱۳۸۲، ۱۴). این واژه در زبان عربی ملک و هاتف گفته می‌شود، به گفته راغب اصفهانی^۱، برخی محققان بین واژه ملک (به فتح میم و لام) و ملک (به کسر لام) تفاوت قائل شده‌اند و اولی را مترادف ملائکه، عهده‌دار سیاست و تدبیر امور، و دومی را بشر عهده‌دار سیاست و تدبیر می‌دانند. «در آیین زرتشتی کلمه "ایزد" به فرشتگان اطلاق می‌شود» (یاحقی، ۱۳۷۵، ۳۲۲). معادل عبری فرشته، "ملخ" و در ادبیات صابئین دو واژه "ملکا" و "ملاحی" برگرفته از زبان آرامی و مشتق واژه "malako" به معنای رسول برای آن ذکر گردیده است. معادل انگلیسی "angel" و معادل فرانسوی "anje". از واژه یونانی "angelos" به معنای پیام‌آور، واژه‌های معادل فرشته می‌باشند.

«در مجموع بررسی واژه فرشته در عربی، فارسی، انگلیسی، آرامی و ... نشان می‌دهد با وجود پراکندگی جغرافیایی و فاصله زمانی بسیار این زبان‌ها از یکدیگر، این واژه در همه آنها به معنای فرستاده شده یا پیام‌رسان است» (خرزعلی، ۱۳۸۷، ۱۵۵).

فرشته در ادیان

فرشته و ایران باستان: در دین زرتشت "امشاسپندان" و "یزدان" (به معنای مقدسان بی‌مرگ و جاودان پاک) را با توجه به تطابق کارکردهای آنها با ماهیت و کارکرد ذکر شده فرشته در دیگر ادیان الهی و دیگر متون، معادل ملائکه دانسته‌اند و در این رهگذر برخی محققین نقش فرشته را در ادامه و تکامل قرص بالدار دوران کهن می‌دانند و «فروهر را گاهی به عنوان دیسک بالدار و قرص بالدار معرفی می‌کنند که در فرهنگ ایران در نقش نور و نیروی روشنی، نماد اهورامزدا یا اورمزد است» (کوپر، ۱۳۷۹، ۱۶۲). برخی از مشخصات ظاهری طرح فروهر در دین زرتشت (جنسیت مذکر، دسته‌ای برافراشته نگهدارنده شیئی مانند جام و ریتون، دو بال سه طبقه، حلقه دایره شکل در کمرگاه، رشته‌آویزان از میان حلقه، دامن سه تکه) و دایره بالدار را می‌توان بعدها در تجسم بخشی شکل ظاهری فرشته مشاهده نمود. علاوه بر این مشخصات، گاهی برخی موجودات ترکیبی مانند هارپی (ترکیب انسان-پرنده) و مشخصات ظاهری همچون، جنسیت مذکر و مؤنث، بال‌های گشوده، در دست داشتن بیرق و جام مروارید، کلاه بر سر داشتن، هاله‌های مقدس یا آتش‌های طلایی دور سر و ... را نیز در سیر تکامل





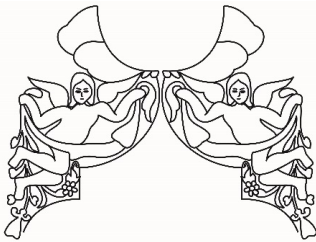






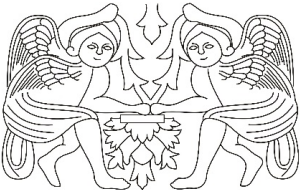
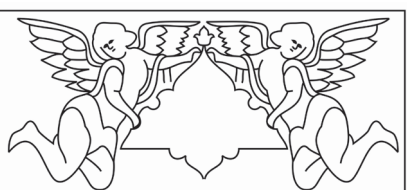


انسانی با دو بال، بصورت تکی (تصویر ۱-۳) و یا دوتایی (تصویر ۴-۱۴) و همنشین با دیگر نقوش مانند نقوش هندسی (کادر محرابی، مستطیل و ...) (تصویر ۱۲، ۸، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱)، گیاهی (اسلیمی، ختائی، گل و ...) (تصویر ۱-۱۴)، حیوانی (پرنده و ...) (تصویر ۵، ۳، ۲)، اشیاء (شیپور، کتاب، کوزه و ...) (تصویر ۱۵، ۹، ۱۰) و انسانی، درکنش هایی همچون حمل کوزه گل (تصویر ۱۴، ۱۱، ۱۰، ۴، ۳، ۲، ۱)، دویدن در انبوه گیاهان (تصویر ۳)، کتاب در دست (تصویر ۹)، حمل کتیبه

در این دنیا و دنیای پس از مرگ، تعریف می شود]، البته در مورد ملکوت و قوانین آن نمی توان اظهار نظر کرد» (خزعلی، ۱۳۸۷، ۱۶۵).

نقش مایه فرشته در سنگ قبور گورستان تخت فولاد اصفهان (تصاویر ۱-۱۵) (جدول ۱)^{۱۳}

در قبرستان تخت فولاد اصفهان نقش مایه فرشته بصورت

جدول ۱- نقش مایه فرشته بر سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان^{۱۳}.

| | | | |
|---|--|--|---|
|  |  |  |  |
| تصویر ۴ | تصویر ۳ | تصویر ۲ | تصویر ۱ |
|  |  |  | |
| تصویر ۷ | تصویر ۶ | تصویر ۵ | |
|  |  | | |
| تصویر ۹ | تصویر ۸ | | |
|  |  | | |
| تصویر ۱۱ | تصویر ۱۰ | | |
|  |  | | |
| تصویر ۱۳ | تصویر ۱۲ | | |
|  |  | | |
| تصویر ۱۵ | تصویر ۱۴ | | |

قبور بصورت نیمه برهنه (تصویر ۱۷) تصویر شده است که به نظر نگارندگان، ریشه آن را همچون تصاویر نیمه برهنه هنرهای دوره قاجار می‌توان در اقتباس هنرمندان آن دوران از هنر و سبک رایج در غرب که تصاویر واقع‌گرا و همچنین توجه به آناتومی بدن اهمیت ویژه دارد، در نظر گرفت.

تمامی نقش‌مایه‌های فرشته در این قبرستان با جنسیت مونث به تصویر کشیده شده است که با جنسیت به تصویر درآمده در هنرهای مختلف تحت سیطره تفکر مسیحیت قابل تطبیق و همخوانی می‌باشد. از نکات قابل توجه در مورد تصویر فرشته در این قبرستان می‌توان به تنوع ظاهری، تمام‌قد+بال (تصویر ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲)، نیم‌تنه+بال (تصویر ۱۰)، سر+بال (تصویر ۱۷، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۹، ۸، ۶، ۴، ۳)، تمام‌قد+بال+هاله دور سرو (تصویر ۱۵)، سر بدون بال+شیپور (تصویر ۸)، این تصاویر اشاره نمود، یکی دیگر از ویژگی‌های نقش‌مایه فرشته در اکثر سنگ قبور که بسیار بارز می‌باشد، ظاهر این نقش‌مایه با ابروان پیوسته می‌باشد که با ظاهر به تصویر کشیده زنان ایرانی در هنرهای دوران قاجار هم‌خوانی و مطابقت دارد. آرایش گونه‌ها و چانه در سنگ قبور (تصویر ۱۱)، یکی از پرداخت‌های منحصر بفردی است که نمونه آن را نگارندگان به غیر از سنگ قبر مورد اشاره، در هیچ یک از سنگ قبور مشاهده نمودند.

تشابه و تفاوت نقش‌مایه فرشته در سنگ قبور گورستان آرامنه اصفهان و گورستان تخت فولاد اصفهان و تاویل و علت‌یابی آن

با توجه به فراوانی نقوش فرشته که با توجه به کل قبور در هر قبرستان، در قبرستان آرامنه نسبت و تنوع بیشتری را شامل می‌گردد، بازبایی وجوه تفاوت و شباهت‌های این نقوش در دو قبرستان، با توجه به اشتراکات مکانی و زمانی، می‌تواند به شناسایی خصوصیات فرهنگی و همچنین تأثیرات متقابل فرهنگی مسلمانان و مسیحیان در اصفهان کمک شایانی نماید که این وجوه تشابه و تفارق را می‌توان با رویکرد ویژگی‌های ظاهری نقش فرشته و همنشینی آن با دیگر نقوش اینگونه بر شمرد:

- پوشش: در قبرستان آرامنه، اکثر نقوش با پوشش کامل تصویر شده‌اند به جر معدود تصاویری که نیمه برهنه‌اند که با توجه به تأثیرپذیری آرامنه جلفای قدیم از هنر بیزانس، قابل توجیه می‌باشد و نیمه برهنه بودن برخی نقوش را شاید در تأثیرپذیری از دوران رنسانس و یا هم‌زمانی با قاجار و هم‌زیستی با قبرستان مسلمانان ریشه‌یابی نمود ولی در قبرستان تخت فولاد، دقیقاً این نسبت متفاوت می‌باشد و اکثر نقش‌ها، نیمه برهنه‌اند و با توجه به هم‌زمانی دوران قاجار با رنسانس اروپا و ارتباطات شاهان ایرانی با اروپاییان در این دوره، برهنگی و پرداخت به آناتومی بدن می‌تواند قابل توجیه باشد.

- در خصوص حالت موها نیز مجعد بودن فقط در نقوش آرامنه دیده می‌شود در صورتی که در قبرستان تخت فولاد، موها بدون حالت تصویر گردیده است.





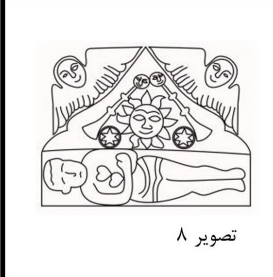


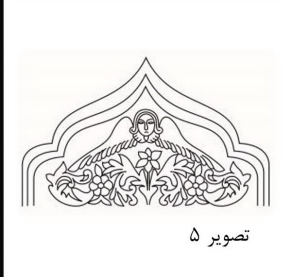




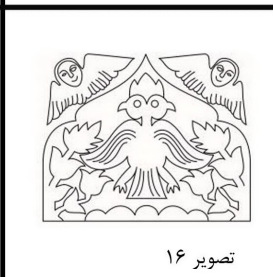



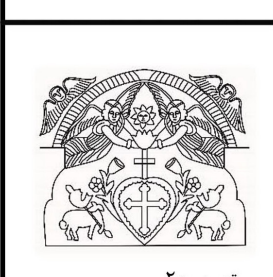
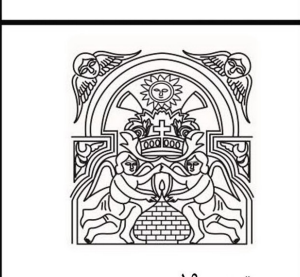


(تصویر ۱۲) گل در دست (تصاویر ۱۴، ۱۱، ۴، ۳، ۲)، دمیدن در شیپور (صوراسرافیل)^{۱۳} (تصویر ۱۵)، بصورت معلق در حال پرواز (تصویر ۷، ۱۲)، معلق و وارونه (تصویر ۱۵)، ایستاده (تصویر ۱) و نشسته بصورت نیم خیز (تصاویر ۱۴، ۱۳، ۵، ۴)، قابل مشاهده است که این همنشینی بیشتر با نقوش گیاهی دیده می‌شود که می‌تواند تصویری از کارکرد این موجود در دنیای غیرمادی و بهشت موعود را تداعی نماید. قابل تأمل است که این نقش‌مایه در اکثر سنگ قبور بصورت نیمه برهنه (تصاویر ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲) است که علیرغم آموزه‌های دین اسلام مبنی بر رعایت پوشش، به نظر نگارندگان این امر را می‌توان ریشه در دوره به تصویر کشیدن این نقش‌مایه (دوره قاجار) و اقتباس هنرمندان آن دوران از هنر و سبک رایج در غرب در آن زمان که تصاویر واقع‌گرا و همچنین توجه به آناتومی بدن اهمیت ویژه دارد، در نظر گرفت.

از موارد قابل توجه، تصویر شدن این موجود بصورت تمام‌قد و با جنسیت مونث در تمامی سنگ قبور است، البته در برخی از سنگ قبور، جنسیت این موجود با توجه به پوشش و کلاه بر سر داشتن (تصاویر ۲)، مذکر تصور می‌گردد که به نظر می‌رسد با توجه به جنسیت مونث تصویر شده فرشته در هنرهای دوران اسلامی، علت را می‌توان در ناواضح بودن این تصاویر در نظر گرفت که به نظر نویسندگان این پژوهش دلیلی غیر از ناخوانا بودن تصاویر بدلیل فرسایش سنگ قبور و عدم تبحر سنگ‌تراش در به تصویر کشیدن این نقش‌مایه نمی‌تواند داشته باشد.

نقش‌مایه فرشته در سنگ قبور گورستان آرامنه اصفهان (تصاویر ۱-۱۹) (جدول ۲)

در قبرستان آرامنه اصفهان نقش‌مایه فرشته بصورت انسانی با دو بال، بصورت تکی (تصویر ۱۵، ۵)، دو تایی (تصویر ۱۷، ۱۳، ۱۰، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲)، چهار تایی (تصویر ۱۷، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۳)، هم‌نشین با دیگر نقوش مانند نقوش هندسی (قوس‌های مازه‌دار و تیزه‌دار، قوس گهواره‌ای، مستطیل، ستاره، نقش قلب، خورشید و ...) (تصویر ۱-۲۰)، گیاهی (اسلیمی، ختائی، گل چندپر، سرو و ...) (تصویر ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸، ۶، ۴، ۳)، حیوانی (گوسفند، ازدهای دوسر، عقاب دوسر و ...) (تصویر ۱۶، ۹، ۴، ۱)، اشیاء (شیپور، صلیب رومی و یونانی، شمع و شمعدان، تبر، گنبد، عصا و ...) (تصویر ۱۷، ۱۴، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۲، ۱) و انسانی در کنش‌هایی همچون تاج گذاشتن بر صلیب، گنبد و پیکره (تصاویر ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۴، ۳)، نگهداشتن صلیب (تصویر ۳)، دمیدن در شیپور (تصویر ۸)، دعا خواندن (تصویر ۱۵)، در حال انجام مراسم (تصویر ۱۲)، بصورت معلق در حال پرواز (تصویر ۱۳، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲)، ایستاده (تصویر ۱۵) و نشسته بصورت نیم‌خیز (تصاویر ۱۷) قابل مشاهده است که این همنشینی بیشتر با تاج و صلیب می‌باشد که در بسیاری از هنرهای مختلف در دوران‌های سیطره تفکر مسیحیت واضح و قابل شناسایی است. نقش‌مایه فرشته در اکثر سنگ قبور با پوشش کامل (تصاویر ۱۵، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲) است و در معدود سنگ

جدول ۲- نقش مایه فرشته در سنگ قبور و سنگ یادبود ارامنه اصفهان.

| | | | |
|---|---|--|---|
|  |  |  |  |
| تصویر ۴ | تصویر ۳ | تصویر ۲ | تصویر ۱ |
|  |  |  |  |
| تصویر ۸ | تصویر ۷ | تصویر ۶ | تصویر ۵ |
|  |  |  |  |
| تصویر ۱۲ | تصویر ۱۱ | تصویر ۱۰ | تصویر ۹ |
|  |  |  |  |
| تصویر ۱۶ | تصویر ۱۵ | تصویر ۱۴ | تصویر ۱۳ |
|  |  |  |  |
| تصویر ۲۰ | تصویر ۱۹ | تصویر ۱۸ | تصویر ۱۷ |

- نقش سر بدون بال که بخاطر شیپور در دهان داشتن، فرشته تشخیص داده می شود، فقط در قبرستان ارامنه دیده می شود، که با توجه به اینکه فقط در دوران رنسانس، تصاویری از فرشته بدون بال دیده می شود، شاید این نقش را بتوان در تأثیر هنر آن دوران در نظر گرفت.

- در تخت فولاد، نقش فرشته فقط بصورت تمام قد دیده می شود

- بیشترین نقش مایه هم نشین فرشته در قبرستان ارامنه، تاج و در تخت فولاد، گل و گیاه می باشد.

- تنوع تعداد: در قبرستان ارامنه، علاوه بر تخت فولاد که فقط این نقش مایه بصورت تکی و دوتایی تصویر گردیده اند، تعداد چهار فرشته در یک سنگ قبر نیز مشاهده می گردد.

- فرشته بصورت معلق و وارونه فقط در تخت فولاد رویت می گردد.

جدول ۳- ویژگی‌ها و مشخصات نقش مایه فرشته در قبرستان تخت فولاد و آرامنه اصفهان.

| ویژگی ظاهری | قبرستان آرامنه اصفهان | قبرستان تخت فولاد اصفهان |
|---------------|--|--|
| تنوع تعداد | یک - دو - چهار | یک - دو |
| ایستایی | عمودی - مایل - افقی | عمودی - مایل - افقی |
| کنش | معلق و در حالت پرواز- ایستاده - نشسته (نیم‌خیز) | معلق و در حالت پرواز - معلق وارونه - ایستاده - نشسته نیم‌خیز (در حال دویدن) |
| جنسیت | زن | زن |
| مشخصات بال‌ها | تعداد بال: ۲ | تعداد بال: ۲ |
| پوشش | بدن: پوشش کامل - نیم برهنه | بال باز در حال پرواز - بال بسته بدن: پوشش کامل - نیم برهنه مو: بدون حالت - کلاه بر سر |
| نقوش هم‌نشین | کادرهای مازه‌دار و تیزه‌دار (طاق گهواره‌ای و ...)- گل و گیاه گل آفتابگردان، سرو و ... - گل چندپر-اسلیمی-ختائی-صلیب رومی، یونانی - ۸ صلیب متقاطع-ستاره-نقش قلب-گوسفند-گنبد-شیپور-خورشید-شمعدان و شمع-عصای دوسراژدها-پیکره-تیر؟-عقاب دوسر-نقوش هندسی و ... | کادرهای هندسی (مستطیل و ...)، قوسی-گل و گیاه، اسلیمی-ختائی- کتاب-پرنده-پیکره-شیپور-پرده پارچه ای، نقوش هندسی و ... |

رعایت شده در تصاویر اشاره نمود. نگارندگان، عدم رعایت تقارن (تصویر ۱۸ و ۱۲) را فقط در اندکی از سنگ قبور تشخیص دادند که این سنت شکنی (عدم رعایت تقارن)، فقط در پوشش نقوش فرشته صورت پذیرفته است در صورتی که تقارن، در دیگر عناصر تصویری این نقش مایه رعایت شده است.

در صورتی که در قبرستان آرامنه با تنوع بسیار مشاهده می‌گردد. - از اشتراکات نقوش در دو قبرستان، می‌توان به دو بال داشتن نقوش، جنسیت مونث نقوش، فرشته شیپور در دهان و هم‌نشینی با نقوش گیاهی، اسلیمی، ختائی و ... اشاره نمود. - از دیگر اشتراکات نقوش در دو قبرستان، می‌توان به تقارن

نتیجه

وجه غالبی نسبت به تزیینی بودن نقوش ایفا می‌نماید. این وجه رمزی و نمادین بودن، در تصاویری همچون فرشته به اوج خود می‌رسد. آنجا که در به تصویر کشیدن این نقش مایه، ارتباط آن با دنیای ماورا مقصود است و مفاهیمی همچون آشکارکننده حقایق الهی، کمک رسان و محافظ انسان، عبادت‌کننده خدا، ستایشگر و خدمت‌کننده خداوند و اراده او، محافظت از بچه‌ها، راهنمای ارواح مردگان، محافظان عرش خدا و ... را به ذهن متبادر می‌سازد.

با توجه به پوشش نقش مایه فرشته که در قبرستان تخت فولاد اکثراً بصورت نیمه برهنه و با پرداخت نسبی به حالت‌های بدن (آناتومی) می‌باشد و با در نظر گرفتن این موضوع که وجه مقدس بودن این نقش مایه در قبرستان تخت فولاد، کمتر توجه شده و گاهی حتی بی‌اعتنایی هنرمند به این وجه هنردینی،

تصویر نقش مایه فرشته به عنوان یکی از نمودهای بارز نگرش شمایل‌انگاری، علی‌رغم عدم تجویز آن در تفکر اسلام و مسیحیت، در هنر دوران مختلف متأثر از این دو تفکر، نقشی اساسی در آوردن عالم ملکوت به عالم خاکی ایفا می‌کند. این نقش مایه تنها برای محاکات زمان و مکان فانی به کار نمی‌رود بلکه حقایقی متعالی همچون رستگاری و نجات در ملکوت خدا، اساس تصویر آن می‌باشد. نقوش فرشته اینک در قالب هنر حجاری در قبرستان تخت فولاد و آرامنه اصفهان، خود افزاینده این معانی و نشان‌دهنده خواست هنرمند در ارتباط دادن دنیای لاهوت و ناسوت می‌باشد گویی که در بستر مرگ، سرود زندگی می‌نوازند.

به نظر نگارندگان، تصاویر موجود در هر دو قبرستان، علاوه بر جنبه تزیینی، جنبه نمادین نیز دارند که این جنبه نمادین،

حالت‌های مقدس و نیمه‌برهنه بودن معدودی از نقش‌مایه‌های فرشته در قبرستان ارامنه، از تأثیرگذاری‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی بر ارامنه به نظر می‌رسد. از دیگر نمودهای تأثیر هنر دوران اسلامی و بخصوص هنرمندان حجار تحت تأثیر تفکر اسلامی بر هنرمندان ارامنه، نقش‌مایه‌های هندسی و انتزاعی همچون اسلیمی و ختائی است که در هم‌نشینی نقش‌مایه فرشته در هر دو گورستان مشاهده می‌شود. در این تحقیق، پژوهشگران علی‌رغم وجود مشترکاتی همچون جنسیت، تعداد بال‌ها، تقارن و... در به تصویر کشیدن نقش‌مایه فرشته در دو قبرستان، نمودی واضح مبنی بر تأثیر ارامنه بر هنرمندان حجار تخت فولاد مشاهده نمودند و شاید این موضوع نیاز به بررسی بیشتر داشته باشد که همه نقوش را در برگیرد.

بسیار جلب توجه می‌نماید و با توجه به همزمانی شکوفایی رنسانس و قاجار و اقتباس هنرمندان ایرانی آن دوره از شیوه تفکر رنسانس، تأثیر این عصر بر روی هنرمندان حجار بسیار واضح می‌باشد. علیرغم تخت فولاد، در قبرستان ارامنه، اکثر نقوش با پوشش کامل ترسیم شده، که با در نظر گرفتن تأثیر هنر ارامنه جلفای قدیم از هنر بیزانس و روسیه و با توجه به مشخصات ظاهری این نقش‌مایه در سنگ قبور و سنگ یادبودهای ارامنه (پوشش کامل اکثر نقوش، غالب بودن وجه نمادین و مقدس وار نقوش مانند هاله تقدیس دور سر)، می‌توان اینگونه استنباط نمود که تأثیر بیزانس نسبت به تأثیر رنسانس در تصویر نقش‌مایه‌های این قبرستان بیشتر بوده است، مشترکات زمانی و مکانی شکل‌گیری این دو قبرستان و آثار بجا مانده در آن که اکثراً از دوره قاجار است، خارج شدن تصاویر از

پی‌نوشت‌ها

۱. پایین قبور به زن بودن متوفی اشاره دارد (صفی‌خانی و دیگران، ۱۳۹۳، ۴۲). ۱۰ نشانه‌ای حجمی که در کنار سنگ قبور برای سوزاندن کندر استفاده می‌شود. ۱۱ ابوالقاسم حسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی، لغت‌شناس و از ادیبان و حکیمان اهل اصفهان. ۱۲ خطوط آناتومی تصاویر ۷ و ۸ و ۹ به دلیل قابل چاپ نبودن حذف گردیده است. دسترسی پژوهشگران به تصاویر با جزئیات کامل از طریق پست الکترونیکی نگارندگان امکان‌پذیر می‌باشد. ۱۳ اسرافیل یا اسرافین، نام فرشته شیپور زن در روز رستاخیز است.

فهرست منابع

اصفهانی، احمد بن عبدالله ابونعیم (۱۳۷۷)، ذکر الاخبار اصفهان، مترجم: نورالله کسرابی، سروش، تهران. اکبری، رضا و محمودی، محمد هادی (۱۳۹۱)، فرشته‌شناسی در اندیشه ملاصدرا، اندیشه نوین دینی، شماره ۳۰، صص ۳۷-۵۰. بابائیان، آنی (۱۳۸۶)، هنرهای جلفای نو، نشریه پیمان، شماره ۴۰، صص ۱۶۸-۱۸۳. خزعلی، مرضیه (۱۳۸۷)، بررسی ماهیت فرشتگان از دیدگاه ادیان الهی، فصلنامه اندیشه نوین دینی، شماره ۱۲، صص ۱۵۳-۱۸۴. دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام (۱۳۸۵)، اسطوره و نمادهای ایران و هند عهد باستان، کلهر، تهران. شاهمندی، اکبر (۱۳۹۲)، بررسی و مقایسه تطبیقی طشت آب‌های قبور آرامگاه‌های تخت فولاد و ارامنه اصفهان، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۱۸، شماره ۱، صص ۳۳-۴۴. شاهمندی، اکبر و شهیدانی، شهاب (۱۳۹۲)، نقش‌های ماندگار، سیری در آرایه‌های قبور ارامنه ایران، مولف، اصفهان. شایگان، داریوش و ارجمند، جمشید (۱۳۸۲)، آیین هندو و عرفان اسلامی (بر اساس مجمع البحرین داراشکوه)، پژوهش فرزانه روز، تهران. صفی‌خانی، نینا؛ احمدپناه، سید ابوتراب و خدادادی، علی (۱۳۹۳)، نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، شماره ۴، دوره ۱۹، صص ۶۷-۸۰. قوکاسیان، هراند (۱۳۵۳)، هنر و فرهنگ ارامنه ایران در زمان قدیم، مجله ارمنان، دوره ۴۲، شماره ۵، صص ۳۴۸-۳۵۱.

۱. یکی از اعیاد دوره بت‌پرستی ارمنستان است که پس از پذیرش مسیحیت، با برخی تغییرات، جزء اعیاد کلیسای ارمنیان قرار گرفت. در این عید مردم ارامنه بر روی یکدیگر آب می‌پاشند، کبوتر می‌پراندند و مراسمی را هم جهت آبیاری و پرورش گل‌ها انجام می‌دهند. این جشن از کهن‌ترین جشن‌های مشترک ایرانیان و ارامنه است که به جشن تیرگان یا آبپاشان نیز معروف است. ۲. جشن ناواساد یا نوسرد، از دیگر جشن‌های مشترک ایرانیان و ارامنه به معنای سال نو است. اصولاً این جشن در کنار رودخانه‌های بزرگ و مقدس برگزار می‌شد و ارامنه جشن‌هایی برای آرامزد (پدر ایزدان ارمنی)، آناهیت (ایزدبانوی مادر و حاصلخیزی و باروری) و آستیفیک (ایزد بانوی زیبایی) برپا می‌ساختند. ۳. جشنی است که به یاد مسیح و رویت او از ابتدای مسیحیت ارامنه برگزار می‌شد. این جشن از جشن‌های مشترک ایرانیان و ارامنه است که جشن سده یا آتش‌افروزی هم معروف بوده و پس از مسیحیت، در قالب جشن‌های مذهبی صورت گرفته است. ایرانیان باستان، دهم بهمن مصادف با صدمین روز زمستان را جشن گرفته و آتش روشن می‌کردند که این رسم هنوز در بین زرتشتیان و ارامنه ادامه دارد. ۴. Khachkar: در زبان ارمنی، "خاچ" به معنی صلیب و "کار" به معنای سنگ می‌باشد. عمدتاً سنگ‌های بزرگ مستطیل شکل با ابعاد ۱*۲ متر هستند که روی آنها انواع صلیب و نقوش تزیینی و نوشتاری حک شده‌اند. ۵. به معنای زبان زمین. در سوره فصلت (آیه ۱۱) ذکر شده است، که گاهی که حق جل و علا، خطاب به آسمان‌ها و زمین فرمود: به میل یا کراهت بیایید، در جواب گفتند: آمدیم از روی فرمانبرداری (ومیل) «پس زمین اصفهان خدای را اجابت کرد و فرمان پذیرفت، پس اصفهان دهان و زبان دنیاست» (اصفهانی، ۱۳۷۷، ۴۱). ۶. بابا رکن‌الدین یکی از عرفای به خاک سپرده شده در قبرستان تخت فولاد می‌باشد که این مزار، از جایگاه‌های مهم عبادت و ریاضت بوده و می‌باشد. ۷. سیاح فرانسوی. ۸. گودالی است حوض مانند حکاکی شده بر روی سنگ قبور که در باور محلی آبشخوری است برای پزندگان و نثار ثواب آن به روح متوفی؛ و یا شاید طراوت روح مردگان تلقی می‌گردیده است. ۹. زائده‌ای که به نام «بالین» در بین مردم اصفهان مصطلح است. این زائده در بالای قبور و به صورت افقی، نشان از قبور مردان و زائده در بالا و

میردامادی، سید عبدالمجید (۱۳۷۸)، مسیحیت در ایران، نامه فرهنگ، شماره ۳۲ و ۳۳، صص ۲۴۶-۲۵۷.
یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، فرهنگ معاصر، تهران.

کامرانی، بهنام (۱۳۸۵)، تبارشناسی فرشته در نقاشی ایران، کتاب ماه هنر، شماره ۹۵ و ۹۶، صص ۵۲-۶۵.
کتاب مقدس، بی‌تا، انجمن کتاب مقدس ایران.
کوپر، جی سی (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران.